



۲۰۱۴/۰۱/۰۴



قیس کبیر

این قلم به تتبع و تحلیلی تحت عنوان "از جنگ های روانی تا حملات انتحاری و شیوه های تقابل با آن"، در مورد علل و انگیزه های عمل انتحاری که بیشتر روی عوامل منطقی آن می چرخد و بالای پرنسپ "علل" و "معلول" و قاعده ۸۰ فیصد بر ۲۰ فیصد، اتکا دارد، همت گماشت، نگارش رویدست در مورد عمل انتحاری، علل و انگیزه های آن در منطقه و بخصوص افغانستان بازگو کننده همین تحقیق بوده اما ادعا ندارد، که این مضمون شرح همه ابعاد این مسأله باشد، چه قضیه بصورت گلوبال مورد ارزیابی قرار نگرفته است زیرا چنین ارزیابی از صلاحیت بنده خارج می باشد.

از جنگ های روانی تا حملات انتحاری و شیوه های تقابل با آن

جنگهای قرن ۲۱ در مقایسه با جنگهای های کلاسیک قرون گذشته، به گونه دراماتیک تغییر شکل داده اند، مثلاً جنگهای سایبر (Cyber War)، جنگهاییکه از فواصل دور رهبری می شوند (Remote Controlling War)، و جنگهای روانی، از جمله اشکال عمده جنگهای پیشرفته قرن ۲۱ به شمار می روند.



یکی از مثالهای جنگهای سایبر (Cyber War)، عقیم ساختن پروسه غنی سازی یورانیوم دستگاه اتمی حکومت ایران میباشد که به ویروس کمپیوتری بنام "Stuxnet" شهرت یافته است. در کشور ویرانه ما افغانستان تا کنون با آن مدارج پیشرفته تکنالوژیکی، نه از نگاه امکانات مالی و تخنیکی، و نه هم از نگاه تخصصی در عرصه های پیشرونده دنیای سایبر رسیده است که توانائی شرکت در چنین جنگ را داشته باشد، لذا در مقطع کنونی در جنگهای سایبر کدام نقشی را بازی کرده نمی تواند. با در نظر داشت اینکه یک تعداد از افغانهای ما در خارج کشور که دسترسی و وسیع در انترنت دارند، از جنگ های فرسایشی

پروپاگندی و تخریب همدیگر، چون افزار کوبنده علیه یک دیگر استفاده نابجا، غیر مفید و ناجایز میکنند. آنها تنها از وسایلی استفاده میکنند که بگونه مجانی در اختیار عامه قرار دارد. طور مثال یوتیوب، پالتاک، شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک، تویتر و غیره، ایمیل، وبسایت ها و غیره در جهت سبوتاژ و تخریب و تحریف تاریخ و توهین به شخصیت های ملی، توهین به اقوام، توطئه در برابر دیگران، جنگ های سایبر را پیش میگیرند. ایکاش این عده از فهم و انرژی خود در راه مثبت خدمت به میهن کار می گرفتند.

ما به همین تازگیها دیدیم و شنیدیم که مخالفان رئیس جمهور حامدکرزی، قصداً و عمداً یک قسمت از مصاحبه اخیر او را از طریق یوتوب به نشر سپردند تا از این طریق به وی از نظر سیاسی لطمه بزنند. ولی اگر مصاحبه به صورت مکمل دیده یا شنیده شود، واقعیت غیر از آنچه می بینیم است که در یوتیوب به نشر رسیده است.

دریغا که عده از هموطنان ما در خارج چون کمی در تخنیک انترنت آشنائی یافته اند و یا هم پسر و دختر خود را امیدارند تا با دست برد به ایمیل هموطنان ما، و یا اندک تغییری در ایمیل بعضی هموطنان شان، از نام مخالفین سیاسی خود، ایمیل های متعدد به لست های عریض و طویلی که به گونه بدست آورده اند، ارسال میدارند و گویا به زعم خود آن هموطنان را تخریب نموده و در صدد آن می شوند که مناسبات دوستان را برهم زنند.

یک تعداد هم از نام مستعار به گونه های غیر ضروری و به وفراط استفاده ناجانز نموده و هم وقت خود را ضایع می سازند و هم از هموطنان را. این عده افراد غافل از آن اند که طرز نوشته و ادبیات و جمله بندی های شانرا به بسیار زحمت و مشکل

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تغییر داده می توانند و هموطنان ما که سال های متمادی نوشته های هموطنان قلم بدست خود را در نشرات و سایت های مختلف تعقیب نموده اند، از طرز خرام شان آنها را می شناسند و این خود آب را در هاون کوبیدن است.

برخی در فیسبوک خود، عقب دروازه های بسته، جائیکه اشخاص طرف اعتماد سایبری شان حق دخول دارند، یک نفر را که به زعم و ذوق شان برابر نه باشد، تعیین وبه لطمه زدن به شخصیت او آغاز میکنند و بعد از آن از دوستان (به اصطلاح سایبری خود) میخواهند تا در مورد مذمت بیشتر وی نظرات خویش را بنویسند، بعداً دوستان و هواداران صاحب فیسبوک، شروع میکنند به نوشتن در مورد شخص متذکره و دیری نمیگذرد که از میان آنها، اگر چند تن دو سطر منفی در باره شخص موصوف بنویسند، میتوان از مجموع این نظرات منفی مقاله مفصلی ترتیب داد، وبه اطلاع مخاطبان رسانید.

برخی ها دنیای مجازی را با دنیای واقعی اشتباه میگیرند و از روی یأس و ناامیدی و یا هم خود خواهی های بی مورد و نابجا، وبنا بر تربیت سیاسی که دارند سایت خشونت برانگیز، قهری و جنگی خویش را همچو پلاکارت های فلم های هندی «پُر از زد و خورد، رنگه، مهیج» با رنگ های سرخ و عناوین بزرگ و تند و تیز و درون خالی، مملو از دشنام و توهین و تحقیر و های و هوی زیاد ترتیب نموده و فکر میکنند میشود انقلاب کارگری را از کنار آسوده و گرم مرکزگرمی ها به افغانستان صادر کرد.

ایکاش این عده میتوانستند به دانش و فهم خویش در زمینه دنیای سایبر می افزودند و از آن در راه استفاده مؤثر برای ملت خود و ارتقای سطح علمی نسل آینده تلاش می نمودند.

اماناگفته نماند که در کنار این حرکت، حرکت دیگری نیز وجود دارد که در اصل با قوه بلفعل نسل جوان این نقیصه در حال برطرف شدن است. حرکت یادشده امید میبخشد که ما بسوی افق های روشن در حرکت هستیم و چشم امیدواری به جوانان بیشتر بیشتر است.

برگردیم به اصل مطلب و آن اینکه،

نمونه جنگهای رهبری شده از فواصل دور، به کار بردن طیارات بدون پیلوت (Drone) است که از شهر لاس ویگاس امریکا کنترول و رهبری میشوند و اهداف خود را در هر کجا که باشند، نابود می سازند. البته قابل یاد آور است که طیارات بدون پیلوت (Drone) در این مدت ده سال جنگ در افغانستان و منطقه انکشاف باور نکردنی، نموده است. در اوایل قادر به کنترول یک ساحه مشخص بودند ولی حالا میتوانند حتی یک شهر را در تیررس خود داشته باشند.



همچنان راکت هائیکه از پایگاه های زمینی یا کشتی ها پرتاب میشوند و با رهبری ستلایت ها، به اهداف خود اصابت می کنند، نمونه های دیگر از همین جمله اند.



در عکس پهلو نشان داده شده است که چگونه توسط ستلایت اولی (تثبیت محل) ابتدا هدف در نقطه ای از روی زمین تشخیص و تعیین میگردد و سپس ستلایت مذکور به ستلایت دومی (رهبرای راکت) که با راکت هوشمند در ارتباط است، تماس برقرار میکند و ستلایت دومی به راکتی که در کشتی یا در پایگاه نظامی دیگری قرار دارد، تماس میگیرد و راکت را برای نشانه گیری هدف، آماده باش میدهد.

هرگاه هدف متحرک و در حال تغییر محل باشد، ستلایت اولی خود بخود هدف را لحظه به لحظه دنبال و آن را به ستلایت دومی

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مخابره میکند و ستلایت دومی نیز موضع و محل هدف را به راکت در حال پرواز مخابره مینماید، و بدین صورت، راکت با رهنمائی و رهبری ستلایت ها، هدف را که مثلاً یک موتر حاوی افراد مسلح در حال رفتار بسمتی میباشد، تعقیب میکند و آن را از میان می برد.

چنین است جنگ های مدرن امروزی که بدون آنکه بینی عسکر و سربازی خون شود، دشمن را نابود و پلان های تخریبی وی را قبل از عملی نمودن از بین می برد.

کشور های مترقی و انکشاف یافته، جنگهای سایبر، جنگهای رهبری شده از فاصله های دور و انواع جنگهای روانی را به کار می برند و بیشتر در انکشاف آنها سعی به عمل می آورند، دیگران، خاصتاً در جهان اسلام، سازمان های تروریستی از حملات انتحاری استفاده می کنند، به نحویکه انسان ها را با تلقین های مذهبی از نظر روانی شست و شوی مغزی میدهند تا بدون کوچکترین ترس و واهمه، خود و محیط خود را به هوا انفجار بدهند.

عملیات انتحاری تنها و تنها منحصر و محدود به واقعیت جنگ در افغانستان و افغانستان نیست، بلکه از دیر زمان به این طرف در ساحت بین المللی همه گیر شده است. این وقایع در روسیه، در چین، عراق، پاکستان، فلسطین و در بسیاری از کنج و کنار دیگر جهان، جزء وقایع روزگشته است.

در بحبوحه پایان جنگ دوم جهانی بود که جاپانی ها پدیده عملیات انتحاری را بوسیله طیارات جنگی خویش بالای کشتی های طیاره بردار امریکا در "پرل هاربر" وارد میدان جنگ ساختند که به "کمیکازه" شهرت یافت. در آنزمان انتحار برای جاپانی ها بخاطر دفاع از کشور شان، آخرین وسیله دفاعی بود. بعداً فلسطینی ها عین پدیده را منحیت وسیله دفاعی در برابر نیرو های اسرائیلی به کار بردند و از آن بعد سازمان های تروریستی با ایجاد ترس، رعب و وحشت از آن در پهلوی ایجاد خسارات مادی و جانی، منحیت وسیله تبلیغاتی و خبرساز استفاده کردند.

استفاده از انتحار در جنگهای فلسطین چنان پیشرفته شد که حتی مردم جهان آنرا به صورت غیر مستقیم به حیث سمبول کارزار جنگهای اعراب شناختند و در سالهای اخیر در عراق از آن به گونه وحشیانه ترین نوع آن استفاده صورت گرفت.

بدون هیچ شک هم که اکثر (نه تمام) علل جنگ های افغانستان در خارج از افغانستان ریشه داشته ولی مفکوره هائی از قبیل



جهد، جنگ علیه اشغال، مبارزه برای دفع و ترد کافران ... در ذهنیت و فرهنگ افغان ها نیز ریشه دارند علاوه بر اینکه دست های خارجی نیز در کار اند. مثلاً مسلمان های عربستان سعودی، مسلمان های قم نشین ایران و دیوبندی های پاکستان همیشه تلاش دارند که مفکوره جهاد را در افغانستان بکار برند در حالیکه اگر سؤال شود که چرا آن ها در ممالک خویش جهاد نمی کنند می فرمایند که آنها تا این حد هم احمق نمی شوند که بخاطر جهاد و اسلام خود و مملکت خود را تباہ سازند!

هر چند افغانها در جنگ در برابر نیروی گول پیکر روس از عمیله انتحار استفاده نکردند، ولی قوماندانان بانفوذ و قسی القلب القاعده پدیده

انتحار را از طریق تلقینات مذهبی و تطمیع پولی در مدارس پاکستان، بعد از جنگ عراق وارد میدان جنگ در برابر امریکایی ها در افغانستان کردند که بدبختانه وطن ما را به خاک و خون کشیده و هر روز افغانهای بی گناه و بی دفاع را به کام مرگ میفرستد و ده ها و صد ها فامیل را در غم عزیزان شان می نشاند. در اکثر حملات انتحاری، اگر یک مقام نظامی داخلی یا خارجی، یا یک جنگ سالار و یا ... هدف قرار میگیرد، در مقابل ده ها کودک و مادر افغان و مردم عام و بیگناه نیز جان های شیرین شان را و در بسیاری مواقع تنها نان آور فامیل را از دست میدهند و این جفای بزرگی است در حق ملت مظلوم و بی دفاع افغانستان.

د پانیو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

همین گونه بمباردمان های کور در قریه جات و قصبات کشور ما و همچنان حملات راکتی طیارات بی پیلوت که با هدف گرفتن یک فرد یا یک جمع، یک منطقه را با خاک یکسان میکند و پیر و جوان، زن و مرد و طفل شیرخوار را در گهواره به کام مرگ میفرستد و یا بار ها شاهد بوده ایم که محافل عروسی و خوشی مردم را همین طیارات بی پیلوت هدف قرار داده و به عزا و غم میدل ساخته است، این وقایع حال اگر عمدی باشد یا سهوی، نتیجه آن برای مردم ما یک سان است، یعنی جفا و به خاک و خون یکسان شدن.

عوامل ذکر شده فوق بصورت قطع باعث برهم خوردن امنیت و سر انجام عملیات انتحاری و ماین گذاری های کنار سرک گردیده و هموطنان بی گناه ما را پارچه پارچه نموده و از نعمت زندگی محروم ساخته و عده بیشتری را هم معیوب و معلول می سازد.

از هر دو جانب این فقط و فقط افغان است که قربانی میدهد و کشور مردم افغانستان است که به تباهی و نابودی سوق داده میشود. اما علل اصلی این همه جریانات ناگوار در کجا نهفته اند؟

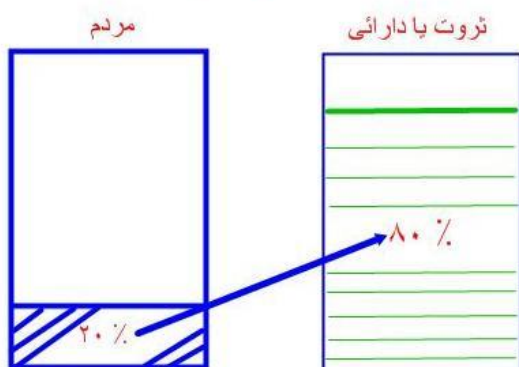
چطور میتوان به وسیله «قاعده ۲۰٪ - ۸۰٪»، علل را تا حد امکان مرفوع گردانید تا معلول پابرجا نمانده و تضعیف گردد.

«قاعده ۲۰٪ بر ۸۰٪ چیست و پرنسیب علل و معلول» کدام است؟

قاعده ۲۰٪ - ۸۰٪

"ویلفریدو پاریتو" در قرن ۱۸ حیات به سر می برد و مصروفیتش تجارت بود. او به یک واقعیت بر خورد که برایش نهایت مهم جلوه کرد و به این نتیجه رسید که در کشورهای مختلف جهان ۸۰٪ ثروت یا دارائی در اختیار ۲۰٪ مردم تمرکز یافته است و این تناسب ریاضی را «قاعده ۲۰٪ در ۸۰٪ فیصد» نامید.

قاعده ۲۰٪ در ۸۰٪ فیصد



دیگرام ذیل را در نظر می گیریم :

این پدیده در همه امور حیات میتواند منعکس باشد یعنی به وسیله این معادله میتوان بسیاری از امور حیاتی را تشریح نمود. مثلاً:

۲۰٪ مشتریان ۸۰٪ عاید را می آرند

۲۰٪ سطح قالین ۸۰٪ استهلاك را در بر دارد

۲۰٪ تولید ۸۰٪ فایده را در بر دارد

و به همین ترتیب. . .

پرنسیب «علل» و «معلول» :

پرنسیب "علت" و "معلول" میرساند که هر «علت»، «معلول» را در خود نهفته دارد و برعکس هر "معلول"، "علت" را.

پرنسیب علل و معلول



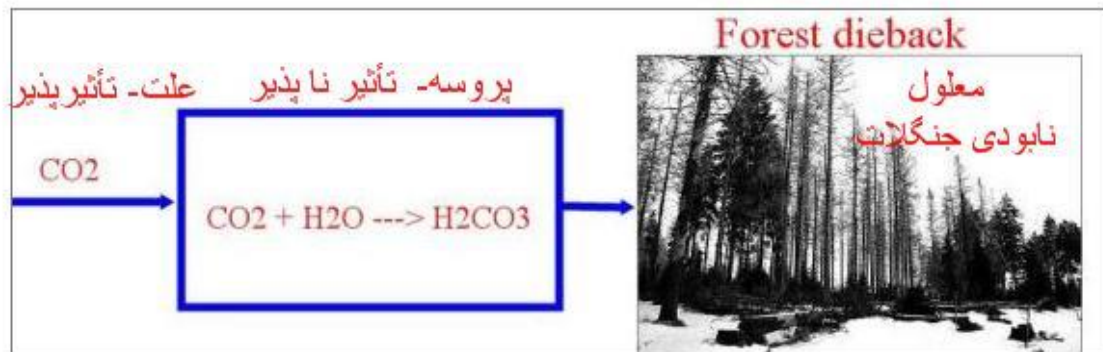
د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

تولید CO₂ (Carbon dioxide) در کشور های صنعتی باعث نابودی جنگلات می گردد که فاجعه را در جهان بار می آورد. قسمت اعظم تولید CO₂ توسط دستگاه های صنعتی، موتورها، سواری، طیارات و غیره تولید شده و به اتموسفر زمین صعود می کند که بعداً در یک عکس العمل کیمیاوی، همراهی آب (H₂O) تعامل نموده و تیزاب کاربونی را بوجود می آورد که موجب "باران های تیزابی" می گردد. به گرافیک تعامل کیمیاوی ذیل توجه کنید:



این بارش تیزابی دوباره به زمین و به جنگلات فرود می آید که جنگلات مذکور بجای آب، تیزاب دریافت میکنند.



انسان از نگاه تخنیکي تا حال توان جلوگیری از این پروسه کیمیاوی را ندارد، اما از تولید CO₂ به حیث "علت" جلوگیری نموده میتواند. از این لحاظ کشور های صنعتی تصمیم اتخاذ کردند تا سال ۲۰۲۰، بیست فیصد از تولید CO₂ کاسته شود. (توسط استفاده از موتر های برقی و نصب فلتر ها در فابریکات و استفاده از انرژی آب و...)

با این مثال تثبیت می گردد که از نابودی جنگلات در صورتی جلوگیری به عمل آمده می تواند، که "علت" تولید تیزاب کاربونی آن از بین برود.

آنچه به عمل انتحاری تعلق می گیرد، باید گفت که هم "علل انتحاری" و هم "پروسه انتحاری" با تدابیر لازم تحت تأثیر قرار داده شده می توانند.

قابل فهم است که هر کشور، هر محل و تقریباً هر منطقه که در آنها متأسفانه "عمل انتحاری" صورت میگیرد، علل، شرایط و پروسه خاص خود را دارد، که میتواند از همدیگر متفاوت باشند و باید در محل و منطقه از طرف مسوولین که با طرز تفکر، ذهنیت، خوی و خواص و شرایط محل آشنا هستند، بررسی گردد. در این صورت سخن از یک راه حل خاص در میان است و نه یک راه حل عام.

طبیعی است که ترور های منطقوی، خارج از نفوذ قابل ملاحظه کشورهای و سازمان های بین المللی خارجی نبوده و مبارزه در برابر علل آن کار ساده نیست که مردم افغانستان قادر به دفع آن باشد، بهمین دلیل و خاصاً به همین دلیل قاعده ۲۰٪ - ۸۰٪ مطرح میگردد.

بدین معنی که اگر حکومت افغانستان و کشور های غربی که در افغانستان حضور دارند، فقط ۲۰٪ از علل عمده را که بالای آنها تأثیر گذار اند، (از قبیل بمباردمان های کور، تلاشی طبقه انات، برهنه کردن مردان کهنسال، تلاشی شب هنگام منازل، زجر و شکنجه نمودن افراد، شیوه های تحقیر آمیز برخورد با افغان ها و حاکم ساختن جنایتکاران و جنگ سالاران بر سرنوشت مردم و مملکت)، آنها را مرفوع نمایند و در عین زمان پروسه انتحاری را با امکانات و تدابیر زیر بطنی سازند، میتوان ۸۰٪ عملیات انتحاری را در کشور متوقف ساخت:

د پانیو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

آنچه به عمل انتحاری تعلق می گیرد، باید گفت که هم "علل انتحاری" و هم "پروسه انتحاری" با تدابیر لازم تحت تأثیر قرار داده شده می توانند، یعنی تأثیرپذیر اند.



به همین دلیل زمانیکه ۲۰٪ علل تشخیص شده، مرفوع گردد و همزمان از سرعت پروسه کاسته شود، ۸۰٪ معلول کاهش خواهد یافت.

فقر مفرط در جامعه، تقسیم و توزیع نا برابر و بدون سنجش کمک ها، بیکاری، بی سرپناهی، ظلم، گرسنگی، مرض، عدم دسترسی به دوا و داکتر، حق تلفی های گسترده، فساد اداری، خویشخوری های بدون سرحد، همه و همه به درجات مختلف، تأثیر مستقیم بالایی «پروسه انتحاری» دارند که میتوانند عمل انتحاری را سرعت بخشند، و برعکس تنظیم و تعدیل آنها اثر مثبت بر کاهش عملیات انتحاری خواهد داشت، از همین رو کوشیده شده بود تا برای کند ساختن یا بطی ساختن آن پروسه (پروسه انتحاری)، از جهات مختلف از قبیل روشنگری در وجدان اعتقادی جامعه (فتوای علمای کرام)، کمک های مالی، تنویر اذهان عامه، توسعه تعلیم و تربیه، ادبیات، شعر، موزیک و غیره استفاده معقول و انسانی به عمل آید.

"... حال وقتی به ترکیب افراد عامل حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، نظر اندازیم، طوریکه گزارشات مطبوعاتی نشان داده است، اکثریت همه مجریان و "انتحاری" ها، اتباع عربستان سعودی بوده اند. عربستان سعودی در صف کشور های نفت خیز از جمله ثروتمند ترین کشور های عربی و اسلامی محسوب میگردد. آنها همه در کشور های غربی تعلیمات و تحصیلات عالی داشته اند، تا آخرین لحظات زندگی خود، از بنیه مالی و امکانات زندگی مرفه برخوردار بوده اند". قسمی که در بالا گفته شد، فقر، بی سرنوشتی، بی سوادی، بیکاری و... همه و همه میتوانند "پروسه انتحاری" را سرعت بخشند، اما باعث عمل انتحاری نمی شوند. از همین رو کوشش میشود تا شرائین اقتصادی این گروه ها و سازمان ها را مسدود سازند.

اگر من به اشتباه رفته باشم، از روی لطف آنانیکه در مورد "مطالعات علمی" دارند، جوانب قضیه را شگافته و علل درست و دقیق آنرا به خوانندگان عرضه دارند و صرف به جهت "مذهبی" آن اکتفا نکنند، چون اگر قبول کنیم که عاملین حملات انتحاری، از نگاه دین و مذهب مغز شوی میشوند و جهت نیل به بهشت موعود و هفتاد دختر باکره و چنان و چنین، جان های شیرین خود را فدا نموده و از زندگی دنیائی، چشم میپوشند و خود را در یک لحظه پارچه پارچه میکنند، پس در مورد زنان و دختران انتحاری در چینیا و مسکو چه باید گفت؟ آیا برای آنان نیز هفتاد پسر باکر و عده داده شده است؟ میگذریم از کودکان انتحاری که شاید بتوان گفت از روی بی عقلی و خامی به این کار مجبور ساخته شده باشند. چنین تلقینات و تبلیغات، حایز هیچگونه دلایل مثبت دینی و عقلی نمیباشد.

اگر اندک بیشتر تفکر کنیم، در خواهیم یافت که عوامل انتحاری شدن از دایره دین و مذهب فراتر رفته و ریشه اصلی آن در نابسامانی های اجتماعی، بی عدالتی ها، ظلم و تعدی، فشار، توهمین، تحقیر و بسا عوامل دیگر اجتماعی، نهفته است که با تلاش در رفع این نابسامانی ها و بی عدالتی ها، میتوان پدیده انتحاری را کند و بطی ساخت و سرانجام از این ورطه هولناک و تباہ کن نجات یافت.

اما پرنسیپ "علل" و "معلول" میگوید تا "علل" مرفوع نگردد، "معلول" از بین نمی رود.

د پاپو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

البته پروسه انتحاری در سطح جهانی بسیار مغلق و پیچیده است، اما میتوان علل ذیل را بصورت مشت نمونه خروار متذکر گردید:

- 1- حمایت مالی و تسلیحاتی و گسیل جنگجویان عرب به پاکستان و افغانستان
- 2- حمایت عام و تام از "بن لادن" و "القاعده" در زمان جنگ افغان - روس
- 3- رها کردن افغانستان جنگ زده و ویرانه در چنگال خونین جنگ سالاران و ناقضین حقوق بشر
- 4- بوجود آوردن طالبان بوسیله امریکا - انگلستان، عربستان و پاکستان و گسیل آنان به افغانستان
- 5- مشکل حل نشده بین اسرائیل و فلسطین و ویتوی همیشگی فیصله های ملل متحد توسط امریکا، در مورد حل مشکل فلسطین به نفع اسرائیل

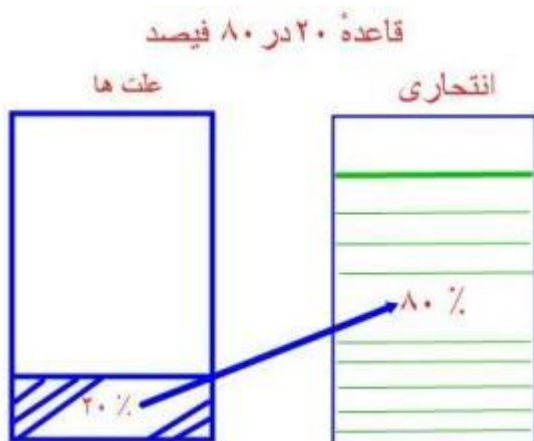
میتوان ده ها علت دیگر را نیز بر شمرد که از حوصله این نوشته خارج است، اما قراریکه گفته اند "قطره قطره دریا میشود" و این قطرات امروز به دریای خروشان از خشونت مبدل گردیده است که در هر کنج و کنار جهان با تأسف خُشک و تر رابا هم می سوزاند.

علل انتحار در افغانستان:

- بمباردمان کورکورانه
- عدم مراعات عنعنات افغانی، مانند تلاشی انانث، برهنه کردن مردان سالخورده و غیره
- توهین به عقاید مذهبی و دینی مردم
- زجر و شکنجه دادن انسان ها به اشکال تحقیر کننده و توهین آمیز
- حاکم بودن جنگسالاران و جانپان جنگی بر سرنوشت مردم و مملکت
- . . . و . . .

درست آن زمان که «علل» مرفوع گردند، «معلول» خود بخود زائل میگردد.

متأسفانه مسؤولین دولت افغانستان و قوت های بیرونی با دلایل مختلف نمی توانند و یا نمی خواهند "علت"ها را که سرچشمه بیشترین آنها در طمع، توقع و بهره برداری های سیاسی همسایه های بد اندیش کشور ما و قدرت طلبی ها بی حد و مرز یک مشت جنگ سالاران استفاده جو نهفته است، مرفوع نمایند تا بدین وسیله "معلول" آن، یعنی "حملات انتحاری" از ریشه خشک گردد.



حالا با مقایسه دیگرام فوق، میتوان دو نکته را پیرامون انتحار مد نظر گرفت:

الف: افزایش عاملین آن که اهداف ضد افغانی و ضد ملی دارند

ب: تضعیف شیوه کار کرد شان (آماده ساختن انتحاری از مجرای دین و مذهب). در صورتیکه در حملات انتحاری از تطبیق «قاعده ۲۰ در ۸۰ فیصد» کار گرفته شود، دیده می شود که ۸۰٪ حملات انتحاری در ۲۰٪ علت ها آن قابل سراغ است. اینکه کدام عوامل شامل این ۲۰٪ بیشتر در مرفوع سازی معلول نقش دارند، مستلزم تحلیل دقیق در محل است.

د پانوی شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

اگر اشتباه نشود ۴ فقره اول عوامل حملات انتحاری که در بالا ذکر گردید، شامل ۲۰٪ علل است و از نگاه روانی زمینه ساز عملیه انتحار برای یک حمله انتحاری میشود که بعد از اكمال ۲۰ فیصد بخش اول منجر به مابقیه ۸۰٪ عملیه انتحار می گردد.

هشتاد فیصد حمله انتحاری

بیست فیصد علل



جمله متذکره فوق یک مرتبه دیگر تکرار می گردد:

"معلول" تا زمان مرفوع شدن "علل" رفع نه میشود.

مرفوع ساختن یا محومه (علت) ها، متأسفانه از حیطه اختیار مردم خارج است ، اما از طرق و شیوه های مختلف چه در داخل کشور و چه خارج از آن ، میتوان نیرو های بین المللی حاضر در کشور را زیر فشار قرار داد تا در پالیسی های شان تجدید نظر نمایند و جهت رفع ۲۰% علل این قدم اول خواهد بود.

اکنون که بیش از ده سال از حضور جامعه جهانی در افغانستان میگذرد، بگفته منابع آگاه در مسائل، پالیسی یک گام به جلو و دوگام به عقب را دنبال نموده اند که این نه به نفع افغانستان و منطقه است و نه هم به نفع امریکا و متحدین آن. با اتحاد و همکاری مردم افغانستان در داخل و خارج از کشور، میتوان جامعه جهانی را که در کشور ما و منطقه منافع خاص خود را دنبال میکنند، متیقن ساخت که پالیسی های خود را به دوگام به جلو و یک گام به عقب عیار نمایند که هم به نفع آنان است و هم به نفع افغانستان و منطقه.

موازی با آن برای کند ساختن پروسه انتحاری، میتوان قدم های نخست را به اشکال و تلاشهای مختلف برداشت، از قبیل روشنگری در وجدان اعتقادی جامعه، کمک های مالی، ارتقا روحیه ملی و اتحاد، تنویر اذهان عامه، ارتقا و توسعه هنر و ادبیات، توسعه تعلیم و تربیه، شعر، موزیک و غیره.

یک مثال ساده را می توان از اقدام فرهاد دریا درک کرد. او با جرأت تمام در قسمت های عمده کشور کنسرت هائی را برگزار کرد و مردم را به سرور و امید دعوت نمود.

نتیجه گیری:

تقابل با حملات انتحاری متشکل از سه قسمت عمده ذیل میباشد:

1. "تشخیص علل عمل انتحاری":

قابل فهم است که هر کشور، هر محل و تقریباً هر منطقه که در آنها متأسفانه "عمل انتحاری" صورت میگیرد، علل، شرایط و پروسه خاص خود را دارد، که میتوانند از همدیگر متفاوت باشند و باید در محل و منطقه از طرف مسوولین که با طرز تفکر، ذهنیت، خوی و خواص و شرایط محل آشنا هستند، بررسی گردد. در این صورت سخن از یک راه حل خاص در میان است و نه یک راه حل عام. بنده صرف به عنوان یک مثال خواسته بودم تا از چند و چون علل ذکرى به عمل آورده باشم و هرگز ادعا نکرده ام که آنچه من از قضایا برداشت دارم، یک فکت است و غیر قابل تغییر. در این قضیه پیچیده و مغلق باید تمام ابعاد آن مورد کند و کاو قرار گیرد و از سر جمع نظرات هموطنان بتوانیم لااقل به یک نتیجه منطقی برسیم، تا مگر وظیفه ایمانی، وجدانی و میهنی خود را به گونه ای انجام داده باشیم.

2. استفاده از قاعده 20 بر 80 فیصد:

طبیعی است که ترور های منطوقی، خارج از نفوذ قابل ملاحظه کشورها و سازمان های بین المللی خارجی نبوده و مبارزه در برابر علل آن کار ساده نیست که مردم افغانستان قادر به دفع آن باشد، بهمین دلیل و خاصتاً به همین دلیل قاعده ۲۰٪ - ۸۰٪ مطرح میگردد. بدین معنی که اگر حکومت افغانستان و کشور های غربی که در افغانستان حضور دارند، فقط 20% از علل عمده را که

د پاپو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

بالای آنها تأثیر گذار اند یعنی قادر به دفع آن میباشند، مرفوع نمایند و در عین زمان پروسه انتحاری را با امکانات و تدابیر زیر بطنی سازند، میتوان 80% عملیات انتحاری را در کشور متوقف ساخت.

3. پروسه ایکه علت و یا علل را به یک معلول نامطلوب تبدیل میکند

اکثر هموطنان علل انتحاری و پروسه انتحاری را به اشتباه میگیرند. فقر مفرط در جامعه، تقسیم و توزیع نابرابر و بدون سنجش کمک ها، بیکاری، بی سرپناهی، ظلم، گرسنگی، مرض، عدم دسترسی به دوا و داکتر، حق تلفی های گسترده، فساد اداری، خویشخوری های بدون سرحد، همه و همه به درجات مختلف، تأثیر مستقیم بالای «پروسه انتحاری» دارند که میتوانند معلول (عمل انتحاری) را سرعت بخشند، و برعکس تنظیم و تعدیل آنها اثر مثبت بر کاهش معلول (عمل انتحاری) خواهد داشت، اما علل انتحاری نمیباشند. از همین رو باید کوشیده شود تا از یک جهت برای کند ساختن یا بطنی ساختن آن پروسه (پروسه انتحاری)، از جهات مختلف از قبیل روشنگری در وجدان اعتقادی جامعه (فتوای علمای کرام)، کمک های مالی، تنویر اذهان عامه، توسعه تعلیم و تربیه، ادبیات، شعر، موزیک و غیره استفاده معقول و انسانی به عمل آید و از جهت دیگر شرائین اقتصادی این گروه ها و سازمان ها را مسدود ساخته شود.

"حال وقتی به ترکیب افراد عامل حادثه 11 سپتمبر 2001، نظر اندازیم، طوریکه گزارشات مطبوعاتی نشان داده است، اکثریت همه مجریان و "انتحاری" ها، اتباع عربستان سعودی بوده اند. عربستان سعودی در صف کشور های نفت خیز از جمله ثروتمند ترین کشور های عربی و اسلامی محسوب میگردد. آنها همه در کشور های غربی تعلیمات و تحصیلات عالی داشته اند، تا آخرین لحظات زندگی خود، از بنیه مالی و امکانات زندگی مرفه برخوردار بوده اند."

اگر حکومت افغانستان و کشور های غربی که در افغانستان حضور دارند، فقط 20% از علل عمده را که بالای آنها تأثیر گذار اند یعنی قادر به دفع آن میباشند، مرفوع نمایند و در عین زمان پروسه انتحاری را با امکانات و تدابیر ذکر شده، بطنی سازند، میتوان 80% عملیات انتحاری را در کشور متوقف ساخت.

در اخیر تلاش خواهد شد تا از نظرات صائب نظران در نوشته "از جنگ های روانی تا حملات انتحاری و شیوه های تقابل با آن" به گونه تکمیلی استفاده صورت گیرد.

با اظهار سپاس از نوشته پرمحتوای جناب حفیظ الله خالد که در مورد دخترک ده ساله انتحاری به رشته تحریر درآورده بودند و نظریات نیکی در مورد پیشکش کرده اند. این طفلک مظلوم نه از بهشت خبر دارد و نه هم هوران بهشتی به دردش می خورد، باید در قدم نخست جامعه را آگاهی داد. از نظرات معقول آقای خالد میتوان جهت بطنی ساختن پروسه انتحاری، سود برد.

[بازگرداندن دخترده ساله انتحاری به قاتلان آن!](#)

ختم

منتبع و محقق این نگارش در پوهنتون-KIT "انستیتوت کارلسرو برای تکنولوژی" در رشته الکتروتخنیک تحصیل کرده و اکنون به حیث دیپلوم انجنیر در کمپنی زیمنس Siemens AG در امور سیستم های اتومیشن Automation Systems کار می کند. او همزمان انجنیر سیستم های میکروسافت MCSE بوده و «عضویت شبکه انکشافی MSDN» آن را داراست، مؤلف و نگارنده مقاله حاضر یکی از مسؤلین پورتال **افغان جرمن آنلاین** نیز می باشد.

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ